یعنی همیشه این کار از آنحضرت صلی الله علیه وسلم می‌بوده است
والعقاب یعنی کارزار کردن است و ضمیر جمع عاید است بعدا که
در بیت سابق مذکور شده بود و مفعول له است فی کل امر و کی
متعلق است بیلغ یعنی محل کارزار و اسم مکان و اسم مفعول از
غیر ثلاثی مجرد بر یک وزن می‌آید حتی حرف ابتدا است و ما بعدش
غایت ما قبل او است حلوا صیغه جمع مذکر فعل ماضی است مشتق
از حلاوت یعنی مزه یابند ما لقوا متعلق است بحلوا بیان مقدر
اگر باء از برای ملابسه باشد و یا متعلق است بکائنین اگر بمعنی
فی باشد و بهر تقدیر حال است از فاعل حلوا ای حال کونهم متلبسین
بالقتال و کائنین فی القتال و از قارح را اراده کرده
و آن در اصل درخت که رحم را از ان سازند علی و ضمیر متعلق
بکائنا مقدر صفت لحما یا حال از و که جهه قناره را گویند المعنی
همیشه کارزار میکرد آنحضرت با دشمنان خدای تعالی در رزم
گاه تا آنکه چنانچه پیدا کردند ان دشمنان در حالی که مثل بودند
به نیزه‌ها در حالیکه بر سر نیزه‌ها بودند بگوشت پارها که بر سر قناره اند

وچون در بیت

وچون در بیت سابق اعدا را تشبیه کرد بگوسفندان بنابر تنبیه
بر کمال عجز و دهشت ایشان و در اینجا تشبیه کرد ایشان را
بر سر نیزه‌ها بگوشت پاره که بر سر قناره و این تشبیه مناسب
افتاده است زیرا که بیشتر بر سر قناره گوشت گوسفند است
ودّوا الفرار فکادوا یغبطون به ۞ اشلاء شالت مع العقبان — العقبان ۳
والرخم ۳ چون در بیت سابق احوال الجماعت که شجاعت ابد
اهل اسلام ایشان را بیان احوال الجماعت هنوز القتل نرسیده
و هر یک خود را بگوشه کشیده‌اند سائل سوال میکند که مردگان
ایشان معلوم شد اما احوال زندگان ایشان چگونه باشد در
جواب میگوید که ودّوا الفرار و ودّوا صیغه جمع است و ضمیر عاید است
بکفار و الفرار مفعول او و ودّ بالضم و او دوستی و محبت و فرار
گریختن و فاء از برای سببیت است و کادوا از افعال مقاربه است و آن
فعلی است که موضوع است از برای دلالت کردن بر قرب حصول
فعل مر فاعل را و آن دو قسم است بطریق مبدأ الطرق علی وجه و کادوا
در اینجا از قسم دوم است و ضمیر جمع که در کادوا است اسم کادوا است و

Copyright © King Saud University